

— سال جامع علوم انسانی

ایران‌شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۲۴) / ایرج افشار
- بررسی کتابهای ایران‌شناسی (۱) / فریده رازی
- ایران‌شناسی در روسیه (گفتگو با پروفسور جهانگیر دری) / طوبی ساطعی

تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۲۴)

ایرج افشار

در این شماره از تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی، به بررسی و ترجمه‌ی کتابی از میرزا حبیب اصفهانی در مورد فلک‌الاعلائی تبریزی پرداخته می‌شود. این کتاب یکی از آثار مهم و نادیده‌ی میرزا حبیب است که در مورد نجوم و فلک‌الاعلائی تبریزی به بحث پرداخته است. در این مقاله، به بررسی و ترجمه‌ی این کتاب می‌پردازیم و سعی می‌کنیم تا قدرتی که میرزا حبیب در این زمینه داشته است را به شما نشان دهیم. همچنین به بررسی و ترجمه‌ی کتابی از میرزا حبیب در مورد فلک‌الاعلائی تبریزی می‌پردازیم و سعی می‌کنیم تا قدرتی که میرزا حبیب در این زمینه داشته است را به شما نشان دهیم.

هنر میرزا حبیب در ترجمه

برای آنکه میزان تصرف و قدرت ذوقی میرزا حبیب اصفهانی در ترجمه، بهتر مشهود شود این عبارت را که در ترجمه او از کتاب ژیل بلاس آمده است نقل می‌کنم و چون توضیحی بر آن گفته نشده است اشارتی را لازم می‌دانم تا قدرت یافتن جانشینی مفاهیم در نوشته میرزا آشکار شود.

«... در دفترداری فلک‌الاعلائی تبریزی و در حساب حسن صباح و شمس سیاقم...» (ص ۲۰۳)

چاپ تازه و خوب میرزا صالح (رتال جامع علوم انسانی) این اشارات، حکایت از علم و اطلاع میرزا حبیب در شناختن کتب قدیم دارد. ضمناً گویای نحوه جانشین ساختن چند نام مناسب برای ایرانیان است در قبال مطلبی که برای فرانسویان آشنا بودست و اگر همان عبارات و اسامی فرانسوی به فارسی ترجمه شده بود فارسی زبان به مقصود و معنی پی نمی‌برد. البته اکنون هم خواننده محتاج است بداند که مقصود از فلک‌الاعلائی تبریزی و شمس سیاق چیست. فلک‌الاعلائی تبریزی و دنباله نام عبدالله بن علی فلک‌علاء تبریزی است که از مستوفیان عصر ایلخانی بود و در سال ۷۰۶ کتاب «سعادت نامه» را در علم سیاق به نام سعدالدین ساوجی نوشت و پس از آن کتاب دیگری در همان مباحث به نام «قانون السعاده» تألیف کرد. ظاهراً میرزا حبیب نسخه‌های خطی آن تألیفات را در استانبول دیده بوده و

می‌شناخته است.

اما منظور از شمس سیاق اشاره است به نام خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان که تألیفی در علم سیاق به نام «شمس‌السیاق» داشت و همان است که به «صاحبیه» نیز مشتهر شده بود.

رمضان شش‌تن فهرست نگار ترک

با رمضان شش‌تن که از کتابشناسان و فهرست نگاران نامور ترکیه است تجدید دیدار دوستانه شد. فعالیت و گسترش کارهای او به مانند احمد منزوی ماست. همانند او در گوشه دفترش از بامداد تا شامگاه به شناخت کتب مشغول است. همین روزها فهرست توضیحی و تاریخی مربوط به متون جغرافیایی در زبان ترکی را نشر کرده است. البته درین کار چند تن دیگر با او همکاری کرده‌اند. پیش ازین کتاب دو جلدی، به همین سیاق فهرست‌هایی درباره علوم ریاضی و نجوم منتشر ساخته بود. اکمل‌الدین احسان اوغلو در همه کتابهای این رشته با او همکاری و سمت سرآوری دارد.

این بار که او را دیدم باز چابک و شاداب بود. گفت اکنون به جمع آوری اطلاعات مربوط به کتابهای موسیقی مشغول است. به همین مناسبت ذکر خیر محمدتقی دانش‌پژوه به مناسبت فهرستی که درباره موسیقی‌ها دارد به میان آمد. پرسیدم بعد از آن نوبت به کدام رشته می‌رسد. گفت کتب علم نظام و حرب (به قول خودش عسکریات) را معرفی خواهم کرد.

... چند ماه پیش مؤسسه الفرقان (مخصوص پژوهش در نسخه‌های خطی اسلامی) با اجرای مراسمی نخستین جایزه خود را در زمینه علم نسخه‌های خطی و فهرست نگاری به او داد. از شش‌تن چندین فهرست نشر شده است. از مهمترین آنها یکی معرفی نسخ نادر عربی در ترکیه است و دیگر فهرست نسخه‌های علم طب.

کمبود نسخه‌های ترکی در ایران

با دکتر دندر (خانم) که استاد تاریخ هنرهای اسلامی دانشگاه آنکاراست آشنا شدم. تخصص او مینیاتورست در دوره عثمانی.

ضمن صحبت‌هایی که میانمان درباره نسخه‌های مزین، مرصع، مصور می‌شد او از نسخه‌های نفیس و ممتاز فارسی که در کتابخانه‌های ترکیه مخصوصاً استانبول وجود دارد مثالها آورد و دامنه صحبتش به تأثیرگذاری نقاشان قلمرو ایران در نقاشیهای نسخ خطی ترکی کشیده شد. از جمله درباره مجالس تصویری نسخه‌های مترجم ترکی شاهنامه مباحثه شد. آنجا برای من این

سؤال پیش آمد که چه شده است که در عهد تیموری و صفوی این قدر نسخه‌های عالی و فاخر از جانب پادشاهان و امیران ایرانی به دربار عثمانیان فرستاده شده بوده است، ولی ظاهراً از جانب اینان نسخه‌هایی به پیشگاه امیرزادگان تیموری و پادشاهان صفوی فرستاده نمی‌شده است. به قرینه اینکه در کتابخانه‌های فعلی ما نشانی از آن نوع نسخه‌ها نیست.

جز این، اگر چه معمولاً زبان روزانه این پادشاهان و امیران ترکی بود چرا رغبتشان به کتب فارسی بیش بود از ترکی. مسلم است که سلاطین صفوی، اگر شاهنامه می‌خواندند و یا می‌خواستند که برایشان خوانده شود متن اصلی خوانده می‌شده است نه ترجمه‌های ترکی آن.

نظام‌الدین هندی

یکی از فضلای ایرانشناس هند مرحوم دکتر نظام‌الدین هندی است. او از مردم حیدرآباد دکن بود. ظاهراً به کمک مالی نظام دکن به انگلیس رفت و تحصیلات دانشگاهی خود را در کمبریج به پایان برد. رساله‌اش کتاب مفصل و معتبری است درباره جوامع الحکایات عوفی که اوقاف گیب به چاپ رسانید و همین مطلب حکایت از اهمیت کار او دارد. نزد نیکلسن درس خوانده بود. در کنگره فردوسی (۱۳۱۳) هم شرکت داشته است. امسال در استانبول با برادرزاده‌اش موسوم به عزیزالدین احمد آشنا شدم. ایشان به زبان فارسی ادبی صحبت می‌کرد زیرا به قول خودش در خاندانی فارسی‌دان و ایران دوست پرورده شده است. عاشق حافظ است. شعرهای زیاد از مولانا برایم خواند. اقبال لاهوری را هم البته می‌پرستد. خوشنویس است و خطش بدک نیست. به استانبول آمده بود که در مراسم اهدای اجازات خط شرکت کند.

دکتر نظام‌الدین مرحوم امیدها داشت. از جمله ترجمه فارسی صیدنه بیرونی به قلم کاسانی را آماده چاپ کرده بود و یکی دو فرم آن هم در مطبعة دائرة المعارف عثمانیه چاپ شده بود که درگذشت. او نخستین جزوه چاپ شده را برای من فرستاده بود و دیده بودم.

مجله‌های تازه

«تصوف» Tasavvof مجله‌ای است تحقیقاتی و جدی که سالی دو شماره انتشار می‌یابد و تا کنون سه شماره از آن انتشار یافته است. این مجله در آنکارا (ترکیه) ترتیب و تنظیم و نشر می‌شود. بیشتر محتوی مقاله‌هایی مربوط به سلسله‌های صوفیه‌ای است که در قلمرو عثمانی فعال بوده‌اند. البته نسبت به تاریخ تصوف اوائل هم عاری از اطلاعات نیست. نشانی آن.

Mithatpasa cd. No. 58/12 Kizilay, Ankara

مجله دیگری که ندیده بودم نشریه‌ای است کلاً به زبان انگلیسی به عنوان *The Arab World Geographer*. این مجله را استادان و محققان یکی از مراکز دانشگاهی تورنتو (کانادا) به نام *Centre for Urban and Community Studies* منتشر می‌کند. مدیرش غازی فلاح نام دارد. معلوم است که عرب است.

مقاله تازه درباره خاندان مرعشیان مازندران

Goto, Yukako

Der Aufstiege zweier Sayyid - Familier am Kaspischen Meer: «Volksislamische» Strömungen in Iran des 8/14. und 9/15. Jahrhunderts. *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*. 89 (1999): 45 - 84

دو جنگ خطی

چند سال پیش با دوست گرامی حسن کارگر از ابرقو به آباده رفتیم. آنجا نزد آقای بدیع الله مرادی دو جنگ خطی دیدم. هر دو حاوی خطوط عده‌ای از علما و معاریف قرن یازدهم بود. همان وقت به اجمال این یادداشتها فراهم آمد. امروز آنها را به چاپ می‌رسانم تا علاقه‌مندان از مندرجات آنها آگاه باشند.

یکی جنگی فلسفی، فقهی و کلامی است و تواریخ ۱۰۶۷ تا ۱۱۲۸ در آن دیده شد. خطوط ذیل را در آن دیدم:

الف: نوشته‌های تاریخدارها

۱۰۶۷ - جلال‌الدین محمد

۱۰۶۸ - شرف‌الدین علی مازندرانی

۱۰۷۰ - رفیع‌الدین محمد الحسنی

۱۰۷۹ - محمد داود

۱۰۷۹ - عبدالمجید یزدی در قریه تفت

۱۰۸۱ - میرزا شرف‌الدین علی در حیدرآباد

۱۰۸۱ - کمال‌الدین بحرانی

۱۰۸۱ - محمد شامی

۱۰۸۴ - محمد بن محمد (شاه دارابی)

۱۰۸۳ - بهائی (۱۰۸۳) غیر شیخ بهایی

۱۰۸۶ - عبدالرزاق رضوی

۱۱۲۵ - محمد تقی بن علینقی المدرس طبسی برای صدرالدین محمد (ممکن است نام صاحب جنگ بوده)

۱۱۲۶ - حسینعلی الخوانساری

۱۱۲۷ - محمد جلیل بن محمد اشرف القاینی

۱۱۲۸ - صافی بن ابراهیم ضمیری همیابی؟

ب - یادداشتهای بی تاریخ از:

- ابوالحسن بن عبدالله خلخالی مولداً و الارذبیلی منشأ

- ابن محمد بن اسمعیل الخاتون آبادی

- احمد بن عبدالله بن حسن البحرانی

- افضل الدین محمد بن تاج الدین حسین گلستانه [اصفہانی]

- جعفر بحرانی

- حسنعلی بن رحمة الله

- حسین اصفہانی

- عبدالحی

- علاءالدین محمد یزدی

- علی الملکی بن طیفور بسطامی برای صاحب تذکره

- فخرالدین طریح النجفی

- فیض کاشانی

- محمد بن فرخ المدعو بریغ

- محمد تقی مجلسی

- محمد حسین المدرس

- محمد شفیع یزدی

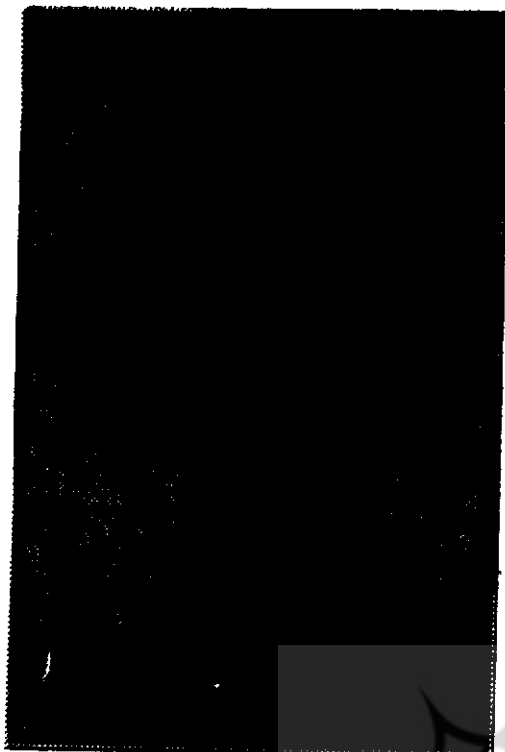
- محمد صالح مازندرانی

- محمد علی استرآبادی

مجموعه دیگر اوراقی بود بیاضی شکل که متعلق به حاجی نظاما بوده است. یادداشتهای

هنر کاغذبری در ایران

(قطاعی)



تألیف یحیی ذکاء



● یحیی ذکاء



رقم دار آن را چنین دیدم.

- شعر به خط محمد نعیم از سال ۱۰۷۶

- شعر محمد اسمعیل هجری مازندرانی در شاهجهان آباد به سال ۱۰۸۷

- بعضی از اشعار طالب آملی به خط نعیم اوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- شعرهایی از میرزا جلال اسیر

- دو غزل از صابیا سلمه الله تعالی

- انشایی به خط محمد جعفر خراسانی

- شعرهایی به خط کلبعلی مورخ ۱۰۸۰

کاغذبری (قطاعی)

کتاب کاغذبری (صنعت قطاعی) تألیف یحیی ذکاء انتشار یافت. ذکاء از هنر شناسان صاحب عقیده و تجربه است. به چندین هنر آراسته است. خدمات و زحمات او در رشته های ادبی و تاریخی و هنری مشخص و ارزشمند است. این کتاب تازه اش در زبان فارسی یگانه و برای همه مورخان تاریخ هنر خارجی منبع اساسی است.

به مناسبت سالهای دراز دوستی (از ۱۳۲۲ که در رشته ادبی دبیرستان فیروز بهرام با هم بودیم) ظهور این کتاب ممتاز را به ایشان تبریک می‌گویم و فرصت را برای تقدیم کردن یادداشتی دربارهٔ قطاعی مغتنم می‌شمارد.

این یادداشت مأخوذ از سرگذشت عبدالرشید خان غازی از امرای خاندان بنو تغلق تیمورست که در بلاد ترکستان شرقی (از جمله آقسو و تورفان و کاشغر) حکومت کرده‌اند از سال ۷۴۸ تا ۹۷۸. عبدالرشید اختصاصاً در کاشمر میان سالهای ۹۳۵ - ۹۷۸ امیر بوده است و پس از آن تاریخ است که چینیه‌ها بر آنجا تسلط یافته‌اند.

سرگذشت عبدالرشیدخان در تاریخ رشیدی تألیف مشهور حیدر دوغلات مندرج است و من از طبع تاکستون (کمبریج ۱۹۹۶) مطلبی را که باید به جناب ذکاء تقدیم کرد نقل می‌کنم (ص ۱۰۵).

«به مقتضای جبلت صافی او در همه صناعات محرفات ید بیضا می‌نماید. برای مخدومی از مخادیم به رسم نیازمندی مراسل چندی ارسال داشته بود. از آن جمله درختی بریده از کاغذ که بدن و فروع و اوراق آن را ملون به لون بدن و فروع و اوراق و ازهار درخت ساخته که در بداعت آن اهل صنعت را تعجب آید.»

مولانا شناسی

Rumi, Past and Present, East and West. The Life, Teaching, and Poetry of Jalal - al

- Din Rumi. By Franklin D. Lewis. Oxford, Oneworld, 2000

ترفند روزگار آنکه جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولانا و مولوی در میان غربیان مخصوصاً امریکائیان شهرت بسیار یافته و گزیده‌هایی از ترجمهٔ اشعارش دست به دست می‌گردد. حتی خوانندگان مشهور آنها را زمزمه کرده‌اند و در مجامع بزرگ خوانده‌اند.

ایرانشناسی جوان و پارسی‌دان بدین مناسبات کتابی مفصل (۶۸۶ صفحه) به زبان انگلیسی دربارهٔ احوال و آثار و افکار و رفتار او تألیف کرده است که هم جنبهٔ پژوهشی دارد و هم مناسب برای خواندن علاقه‌مندان عمومی است. نام این ایرانشناس فرانکلن لوئیس است. استاد فارسی و ایرانشناسی دانشگاه امری Emori است. امری دانشگاه مشهور آتلانتاست (در امریکا). شاگرد حشمت مؤید بوده است. فارسی را خوب صحبت می‌کند، خوب می‌فهمد و خوب می‌نویسد. درین کتاب مباحثی که مطرح است اینهاست: بهاء‌الدین ولد (پدر) - برهان‌الدین محقق ترمذی - شمس‌الدین تبریزی - خود مولانا - فرزندان مولانا - مولوی اسطوره‌ای (فریدون سپهسالار) - شمس‌الدین افلاکی - حالات و اعمال مولانا - شعر او - تعلیمات او - مقام مولوی و...

مولویان در قلمرو بلاد اسلامی و پژوهش‌هایی که درباره او شده (درین بخش از اکثر ایرانیان که درباره مولانا نوشته دارند یاد شده. مخصوصاً بر کارهای برجسته فروزانفر و زرین‌کوب تکیه بیشتر شده است) - مولانا در غرب و چهارگوشه جهان. بالاخره با نشان دادن آثار موسیقی و آوازی و ویدئو و اینترنت و دیگر وسایل رسانه‌ای امروزی که درباره مولوی هست این کتاب پایان گرفته است.

برای شناساندن مولوی کتابی به ازین شاید در زبان انگلیسی نباشد. نیکلسن و آنماری شیمل بر لوئیس حق تقدم دارند و لوئیس خود حق فضل آنان را در کتاب خویش ملحوظ و ملحوظ داشته است. یادم نرود که فریتز مایر هم درباره بهاءالدین ولد کتابی دارد در مرتبه اول تحقیق. کتاب لوئیس را بیگمان علاقه‌مندان به مولانا به فارسی ترجمه و عرضه خواهند کرد.

سومین کنفرانس قواعد نسخه‌شناسی

سومین کنفرانس (مجمع) قواعد نسخه‌شناسی و وِزَاقی خاورمیانه در بولونی (ایتالیا) تشکیل شد. اساس این کار به ابتکار و کارگزاری دو متخصص فرانسوی دروش F. Déroche و فرانسیس ریشار F. Richard از سال ۱۹۸۶ آغاز شد نخستین مجمع در استانبول بود. پس از چهار سال دومین بار در فرانسه (کتابخانه ملی) برگزار شد و امسال در ماه مهر در شهر بولونی ایتالیا با همکاری و مساعدتهای دانشگاه بولونی - ماکس فان برخم Max Van Berchem (ژنو) - مدرسه مطالعات عالی سوربن (فرانسه) و گروه همکاران نسخه‌های خطی خاورمیانه (وابسته به همان مدرسه) و بنیاد مطالعات عربی فرنی نوئا نوسدا Ferni Noja Nosedra (ایتالیا) برقرار شد.

سی و سه نفر از اکناف جهان به این مجمع دعوت شده بودند: از آلمان (هفت نفر) - انگلیس و فرانسه و اوزبکستان (هر کدام چهار نفر) - ایران (چهار نفر) - هلند و روسیه و ترکیه و ایتالیا و بلژیک و بلغارستان و کانادا و امریکا و مصر و تونس (هر کدام یک نفر). سه روز خطابه‌های تخصصی خود را خواندند. عناوین نوشته‌ها اینهاست:

۱ - سرگی تورکن S. Tourkin (پترزبورگ): نگاهی دیگر به «عرضه داشت» جعفر بایسنغری به شاهرخ میرزا

۲ - ش. زیاداف (تاشکند): نسخه‌های خطی از روزگار فقهای بخارا (قرون هفتم و هشتم)

۳ - روزماری کورینگ زوخه R. Quring Zoche (آلمان - ینا): نسخه‌های خطی استنساخ شده بطور دسته جمعی

۴ - فرانسواز بریکل F. Briquel صفحه‌پردازی در نسخه‌های سریانی

۵ - اولریخ رِبستاک U. Rebestack (آلمان - فرایبورگ): ارزیابی آماری از نسخه‌های عربی

موریتانی.

- ۶- ایرج افشار: کتابه برای آرایش در جلد‌های ایرانی
- ۷- زرن تنیندی Z. Tanindi (بورسه - ترکیه): هنر قطاعی در صحافی اسلامی
- ۸- توماس تونش (برلن): Th. Tunsch: تاریخ‌گذاری جلد‌های عهد مملوک موجود در موزه هنرهای اسلامی برلین.
- ۹- اوراز گوزل ماخانوا (بولونی) O. Machaeva: یادداشتهای حاشیه‌ای نسخه‌های خطی.
- ۱۰- شیلا کانبی (انگلستان - لندن) Sh. Canby: ترکیب مجالس تصویر در نسخه‌های خطی پادشاهانه عصر صفوی
- ۱۱- فریبا افکاری (تهران): یادداشتهای حاشیه‌ای (مطالعه در نسخه‌های قرون هفتم به بعد)
- ۱۲- فردریک بودن (لیژ - بلژیک) F. Bauden: صفحه‌پردازی نسخه دستخط مقریزی
- ۱۳- تیلمان سیدنستیکر T. Seidenstickes (آلمان - ینا): تناسب میان اندازه نسخه و مقدار مطالب در نسخه‌های عربی
- ۱۴- محمد عیسی ویلی (لندن): M. I. Waley: تصویر سازی نسخه‌ها و طرح صفحه‌پردازی
- ۱۵- پرسکوی افنیمیو (قیروان): بعضی ملاحظات درباره جلد‌های ساخت آسیای مرکزی در کتابخانه ملی فرانسه
- ۱۶- اورسولا درایببولز U. Dreibholz: آرایش غیر مرسوم در جلدسازی یمنی
- ۱۷- استوینکه کنرووا S. Kenderova: (صوفیه - بلغارستان) جلد‌های ساخت ساموکوف
- ۱۸- الین رایت E. Wright (دوبلن - انگلستان): خوشنویسان شیراز و تکامل خط نستعلیق
- ۱۹- آدام گاجک A. Gacek (مونرآل - کانادا): حروف «ریشدار» (ترویس) در خط عربی
- ۲۰- فرانسیس ریشار F. Richard (فرانسه): نستعلیق نویسان
- ۲۱- شیلا بلیر Sh. Blair (امریکا): یاقوت مستعصمی و پیروانش
- ۲۲- جانین سوردل J. Sourdell (پاریس): خط در گواهیهای زیارت حج
- ۲۳- عبدالوهاب جحدانی (تونس): رساله‌ای در خوشنویسی از عهد ممالیک
- ۲۴- هانس کسپر فون بوتمر H. C. von Bothmer (ساربروکن - آلمان): خصائص نسخه‌های در نسخه قدیمی قرآن صنعا
- ۲۵- عاشر بیک مؤمن اف (تاشکند): نسخه‌های کتابخانه خواجه محمد پارسا و حوزه فقهای حنفی
- ۲۶- فرانسیسوا دروش F. Déroche (فرانسه) تحلیلی بر خط عربی
- ۲۷- گرهارد اندرس G. Endress (بوخوم - آلمان). مجموعه‌ای فلسفی از نسخه‌های عصر

۲۸ - **افتانیدیل ارکینوف** (تاشکند): کتاب برای انتشار عمومی، مانند دیوان حکمت

احمدیسوی

۲۹ - **یان یوست و یتکام** J. J. Witkam (هلند): سماع و قرائت در نسخه‌های عربی

۳۰ - **تیم استانلی** T. Stanley (لندن) نظری درباره معیار نگارش اوراق قرآن در دوره عثمانی

۳۱ - **شادمان وحیداف** (تاشکند): قواعد نسخه‌شناسی نوشته‌های عربی در مجموعه‌های شهر سبز اوزبکستان.

۳۲ - **ایمن فؤاد سید** (مصر): علائم مالکیت در نسخه‌های عربی.

آقایان دکتر اصغر مهدوی و حجة الاسلام دکتر سید محمود مرعشی مدیر کتابخانه آیه الله مرعشی (قم) هم به دعوت مجمع شرکت داشتند.

نسخه‌های خطی شاهنامه

در سال ۱۹۷۷، کتاب سودمند و زیبایی به نام «شاهنامه‌های ایران» (گردآوری محمدباقر نجفی) - که ناشرش سفارت کشورمان در آلمان است - انتشار یافت. من که کتابشناسی فردوسی را دو بار به چاپ رسانیده‌ام تا امروز (ماه آخر سال ۲۰۰۰) آن را در تهران - نه در کتابفروشیهای تهران و نه پیش مجموعه‌داران - ندیده بودم. اینک در کتابفروشی دهخدا در شهر لوس آنجلس امریکا دیدنش نصیبم شد.

کتاب فهرست و عکسهای زیاد از نسخه‌های خطی شاهنامه‌هایی است که در کتابخانه‌های ایران - نگاه داری می‌شود، به این آمار: کتابخانه سلطنتی (اکنون موسوم به گلستان) ۱۴ نسخه - کتابخانه ملی جمعاً ۱۴ نسخه - مرکزی دانشگاه تهران ۷ نسخه - مجلس ۶ نسخه - ملی ملک ۶ نسخه - آستان قدس ۴ نسخه - موزه ایران باستان ۳ نسخه - سپهسالار ۲ نسخه - وزیری یزد یک نسخه (جمعاً ۵۷ نسخه).

نسخه‌های موجود در ایران چندان قدیمی نیست. مهمترین آنها از دوره تیموری و صفوی است و مشهورترین هم نسخه بایسنغری.

این فهرست البته کامل نیست. بجز نسخه‌هایی که درین مجموعه معرفی شده است در مجموعه موزه هنرهای تزئینی و کتابخانه‌های خصوصی نسخه‌های دیگری هست که ذکر آنها می‌باید به این مجموعه افزوده شود. از جمله باید یادآور شد نسخه سعدلو که در خاندانی زنجانی محفوظ بود و چند سال پیش کتابخانه مؤسسه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی آن را خرید و چاپ عکسی از آن در سال کنونی انتشار داد، احتمالاً قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که در ایران موجود است و قدمت آن به حدود سال ۸۰۰ احتمال داده شده است.

باید دانست مجموعه مفید دیگری هم در همین زمینه توسط سازمان میراث فرهنگی به نام «نامور نامه» به سال ۱۳۷۰ انتشار یافت که در آن نسخه خطی به شرح زیر معرفی شده است. موزه گلستان (۱۴ نسخه) - رضا عباسی (۸ نسخه + سی برگ از شاهنامه‌های مختلف) - موزه ملی ایران (۳ نسخه و شش برگ مختلف) - موزه هنرهای تزئینی (دو نسخه) - کاخ سعدآباد (یک نسخه).

اگر چاپ عکسهای آن به پایه مجموعه‌ای که در آلمان چاپ شده است نمی‌رسد ولی اطلاعات مندرج در آن وسیع‌تر و دلپذیرتر است. همچنین جمشید کیانفر فهرستی از شاهنامه‌های موجود در ایران تهیه کرد که در فرهنگ ایران زمین (جلد ۲۹) به چاپ رسیده است. (۸۱ نسخه) این نکته را هم باید متذکر شد که مؤلف «شاهنامه‌های ایران» به گونه‌ای نسخه‌ها را معرفی فرموده است که گویی هیچ یک از آن نسخه‌های پیش از این در فهرستهای کتابخانه‌ها شناسانده نشده بوده است. در حالی که ضروری بود به معرفی نامه‌های مربوط به آن نسخه‌ها در فهرستهای نسخه‌های خطی اشاره کرده بودند. کار تحقیقی ایجاب می‌کند که پیشینه‌های هر مطلبی گفته شود و حق علمی پیشینیان پامال نشود.

فارسی درینگی دنیا

در مجله گلستان که شورای گسترش زبان فارسی در امریکا منتشر می‌کند گزارشی دیدم که آقای رضا افشار درباره وضع تدریس زبان فارسی در آن سرزمین نوشته است. در خلال آن نکته‌ای را از قول فاضل گرامی آقای محمود کاشف که از جمله ویراستاران ایرانیکا و مدرّس زبان فارسی در دانشگاه کلمبیاست برای جلب توجه مراقبان احوال زبان فارسی نقل کرده است. عقیده کاشف برین است که اگر تدریس و نشر زبان فارسی در مؤسسات دانشگاهی خارج از کشور اُفت پیدا کند یا به افول بگراید مطالعات ایرانی (یعنی ایرانشناسی) در معرض خطرست. زیرا محققانی که امروزه به مطالعات ایرانی می‌پردازند ناچارند مقادیر زیادی از نوشته‌هایی را که در مجلات و نشرات و کتب به زبان فارسی انتشار می‌یابد بخوانند و برای توفیق درین راه ناچار می‌باید فارسی را به درستی بدانند.

جزین بر شورای گسترش زبان فارسی فرض است عطف توجهی دلسوزانه داشته باشد به مراجع و کرسیها و متخصصانی که به زبانهای باستانی می‌پردازند، به ملاحظه آنکه زبان فارسی از هر یک از آن زبانها یادگارها و رگه‌رگه‌هایی در خود دارد. کمک به آنها، خود به خود موجبات فراخ دامنی زبان فارسی را همراه خواهد داشت. در امریکا افرادی چون فرای و شوآرنر و ویندفور و شهبازی و محامدی و دریایی و دیگران از پیشینه شناسان زبان فارسی و فرهنگ ایران

باستان‌اند و هر چه بکنند در قلمرو فرهنگ ایرانی است. زبانهای باستانی جزئی از آن و از ریشه‌های پایدار زبان فارسی است.

پهلویات رهام اشه

رهام اشه (Raham Asha) از پژوهشگران قلمرو متون پهلوی است. از او در دو سال اخیر چند کتاب در پاریس نشر شده است. مشخصات آن کتابها برای آگاهی کتابخانه‌هایی که می‌باید چنین کتابهایی را داشته باشند درین جا ضبط می‌شود

نخستین کتاب مقدمات دستوری زبان پهلوی است. ایشان برای اصطلاح مقبول و جا افتاده پهلوی در زبانهای اروپایی لفظ Persic را اختیار کرده و متون پهلوی را Persic texts نامیده است. مشخصات کتاب اول او چنین است.

The Persic (Pahlavi). A Grammatical Précis. Paris. Erman - Rudaki 1998. 130 p.

چهار کتاب بعدی با چاپ و صحافی ممتاز از سوی انتشارات «ارمان» انتشار یافته است و اینهاست.

The Cities of Er'an Šahr Memoir (Šahrest'anh'a - i er'an Šahr ayy'atag'ar.) - The Wonders and Mirabilia of Saget'an. (abdth ud sahih i Šagest'an). Paris. Erman 1999. 51p. (Persic Texts)

در برگیرنده دو متن است: شهرستانهای ایران شهر ایاتگار و عجائب سجستان دیگری از این سلسله کارنامه اردشیر بابکان است که تاکنون چند ترجمه فارسی از آن انجام شده بود.

The Book of the acts of Ardašir son of P'abag (k'arn'amag i ardšair i paqagan). Paris. Erman. 1999. 125 p. (Persic Texts)

سومین ازین مجموعه عبارت است از:

The Book of Psalms (srog n'amag) Paris. Erman. 2000.

این سه کتاب محتوی متن پهلوی است و آوانگاری آن و ترجمه با واژه‌نامه. چهارمین کتاب ازین سلسله، تحقیقی است با عنوان «آموزه پزشکی مغان»، دفتر اول (به نگاشته مؤلف پوسته یکم).

The Medical Doctrine of the Magi. Vol.1. Paris. Erman. 2000. 157 p.

این چهار کتاب اخیر از نشرات علمی The Institute of Eric Studies در شمار گرفته شده است.

ایرسیکا IRCIA

این مؤسسه فرهنگی بیستمین سال تأسیس خود را جشن گرفت (آبان ۱۳۷۹). آنجا برآمده از کنفرانس اسلامی است. در حقیقت یونسکوی آن مجمع است. مقرآن استانبول است و دبیر کل آن دکتر اکمل الدین احسان اوغلو استاد تاریخ علوم دانشگاه استانبول. مرد کار آمدی است، پرتوان و بسیار کوش و صاحب وقوف علمی در تاریخ علوم اسلامی. هم اکنون به دنبال تحقیق وسیعی دربارهٔ ربع رشیدی است. یعنی به همه مدارس مهم سرزمینهای اسلامی توجه داشته و اینک رشیدیه در نوبت مطالعه او در آمده است. می خواهد حلقه‌های رشتهٔ مجامع علمی از بیت الحکمه تا رصد الخ بیگ را به هم اتصال بدهد.

ایرسیکا تا کنون مجامع علمی متعدد برقرار ساخته و اوراق خطابه‌های اغلب آنها را طبع کرده است. محل استقرار ایرسیکا قصر سلطان عبدالحمید در «یلدیز» است. ایرسیکا تا کنون متجاوز از هفتاد کتاب منتشر کرده است.

از همکاران عالم و جدی و دلسوز مؤسسه رمضان ششن نسخه‌شناس و بقیة‌الماضین علمای ترک است. او اکنون به جمع‌آوری کتابشناسی موسیقی در زبان ترکی اشتغال دارد. این کتاب همانندی خواهد داشت با کتابشناسی‌هایی که پیش ازین مؤسسه دربارهٔ ریاضیات، نجوم و جغرافیا منتشر کرده است.

در مراسم بیستمین سال، در یک روز به چند نفر از مشوقین و حامیان امور تحقیقاتی و چهار نفر از محققان رشته‌های مطالعات ممالک اسلامی لوح تقدیر داده شد. روز دیگر در نمایشگاه خط، اجازت نامه‌های خوشنویسان که به گواهی استادانشان در ترکیه رسیده بود به آنها تسلیم گردید. خوشنویسانی که اجازه‌نامه گرفتند شش نفر بودند. یکی از ژاپون، یکی از مراکش و چهار تن از ترکیه. همه جوان بودند. جوانهای ترک که پی خوشنویسی می‌روند طبعاً به نگارش قطعات عربی از آیات قرآنی و احادیث و عبارات دعایی می‌پردازند که برای آویختن در خانه‌ها خریدار دارد.

اما خط مرد ژاپونی به نام فؤاد هوندا - که خطش خوب بود - برایم عجب بود. قطعاتی چند از آثارش را به نمایش گذاشته بودند. از جمله خط نستعلیق او را. گفت در خوشنویسی ژاپونی هم معروفیت دارد.

اجازتنامه خوشنویسی

دو خط آموز ترک (بلال سرز) و (فرهاد) و یکی مراکشی (حمیدی) چندین بار با نهایت اخلاص و ادب دست استادان خود را بوسیدند با چه حرمتی و چه اخلاصی. اجازات ذیل چند سطر خط نمونه‌ای می‌آید که شاگرد می‌نویسد و دو استاد او را اجازه می‌دهند و خطش را استادانه می‌شمارند.

با جوان دیگری به نام محمد افضل الدین قلیج از خطاطان آشنا شدم که چند سال پیش اجازه گرفته است. چند کلمه‌ای هم فارسی می‌دانست. گفت قطعاتی از ابیات مولانا را کتابت می‌کند. یکی از شاگردان خط نویس دختری بود با سر بند که ورقه اجازه گرفت. او قطعه‌ای جمیل و خوش طرح حاوی نود و نه نام از نامهای خداوند (اسماء الحسنی) نوشته بود. در خواست کننده (IRCICA) با فراست تمام از خانم آنماری شیمل درخواست کرد اجازت نامه‌ای را که استادان امضا کرده بودند به آن دختر بدهد.

خطوط بیشتر تعلیق (دیوانی) و کوفی و ثلث بود.

دیدن این نمایشگاه و مراسم اجازت نامه دادن مرا به یاد رساله خوبی انداخت که چهار سال پیش دوست هنرشناسم محمدعلی کریمزاده تبریزی از اجازت نامه‌های قدیم ترکیه در لندن به چاپ رسانیده بود و من آن وقت درست پی به اهمیت کار او نبرده بودم.

ایرسیکا کتابخانه‌ای دارد که برای مطالعات ترکی و اسلامی اهمیت دارد. اما قسمت مربوط به ایران و فارسی آن جانی ندارد. بر مراکز ایرانی است که به آنجا مدد برسانند. پانزده مجموعه کتابخانه شخصی از دانشمندان بر آنجا بخشیده شده است. از آن جمله است کتابخانه‌های احمد آتش دانشمند مشهور ایرانشناس (۱۹۱۷ - ۱۹۶۶)، اوکتای اصلان آمیر (متولد ۱۹۱۴) و یوسف ابیش لبنانی (متولد ۱۹۲۶): ابیش مدیر کنونی مؤسسه الفرقان است. مؤسسه الفرقان مرجعی است برای شناخت و شناساندن نسخه‌های خطی.

بیابان آنماری شیمل

خانم آنماری شیمل - که حالا میان ایرانیان ناموری دارد - عاشق مولانا است. دانشجویی از او خواست کلمه‌ای چند به یادگار برایش بنویسد. با خط قشنگ عثمانی نمای خود این بیت را بر ورقه آن جوان نوشت:

کسناری ندارد بیابان ما

قراری ندارد دل و جان ما

از نامه به بیژن غیبی (آلمان)

دریائی را وداشتم که تازه‌های کتاب در قلمرو ایران‌شناسی را وسعت بدهد. شاید در بخارا دیده باشید. کاش جناب عالی هم این یاری را نسبت به نوشته‌های آلمانی می‌دادید. من تصورم برین است که مخاطبان عمده مباحث ایران‌شناسی مخصوصاً آنچه به قلم ایرانیان خواهد بود، بیشتر خود ایرانیان‌اند. اگر حدوداً پنجاه نفر متخصص صاحب نظر درباره ایران پیش از اسلام در جهان غرب باشد ولی بیش از پانصد نفر خواننده دل‌بسته و مشتاق درباره آن‌گونه مباحث خاص ایران باستان، اکنون در ایران وجود دارد. گواه روشن این که درین سالها چند ده کتاب تخصصی مربوط به فرهنگ و زبان و دین ایران باستان از آلمانی و انگلیسی و فرانسه به فارسی در آمده (هر کدام در دو و سه هزار نسخه) انتشار یافته است. خواننده و خریدار آنها همین ایرانیانند که متخصص هم نیستند، مگر چند نفر معدود. طبعاً فرنگیها این کتابهای ترجمه شده را نمی‌خرند و نمی‌خوانند. خواننده اصلی متون و پژوهشهای علمی درباره اوستا و هخامنشیان و مانی و هوخستره و کرتیر و ایاتگارزریران و ارتنگ و کارنامه اردشیر و جنگهای خسرو انوشروان و زاد و رود او و هر مقوله دیگر از آن تمدن درخشان خود ما باید باشیم. خواننده آنها در بلاد فرنگ طبعاً متخصصان معدودی خواهند بود که کارشان توغّل عالمانه است... بنابراین شما هم به این قلمرو در زبان فارسی کمک کنید.

حشمت و حافظ

در لوس آنجلس دو دوست گُسنانه‌ام با تلفن صحبت کردند: حشمت مؤید و حافظ فرمانفرمایان. اولی استاد زبان و فرهنگ ایرانی است در دانشگاه شیکاگو، دومی استاد تاریخ ایران است در دانشگاه تکزاس. سابقه دوستی با آنها از چهل و چند سال می‌گذرد. حشمت مؤید را از زمان بیست و پنجمین کنگره حاورشناسی (مونیخ ۱۳۳۶) می‌شناسم. او در آلمان درس خواند و عالمانه و درست درس خواند. اگر اشتباه نکنم چندی در ایتالیا درس گفت و بعد در دانشگاه هاروارد (سال ۱۳۴۲ بعد). در آنجا هم به هم رسیدیم. سالی که آنجا برای کتابخانه وایدنر فهرست نگاری می‌کردم از محضرش فیض بردم. همسایه دیوار به دیوار بودیم. صحبت‌های علمی او گرمی بخش شبهای سرد زمستان بود. پس از آن استاد دانشگاه شیکاگو شد. موقعی که متصدی کارهای بنگاه ترجمه و نشر کتاب بودم او کتاب مقامات شیخ جام را در آن مؤسسه چاپ می‌کرد و من از پیشرفت کارش بی‌خبر نمی‌ماندم.

از کارهای تازه‌اش پرسیدم معلوم شد مقامات شیخ جام را با شاگردش فرانکلین لوئیس به انگلیسی ترجمه کرده و با مقدمه‌ای کُشاف به دست چاپ سپرده است. گفت: تنها دنیای غرب از

حکایات کرامتی مذکور درین متن استقبال خواهند کرد. مؤید حالا پنجاه سال است که دُور از ایران زندگی می‌کند ولی فکر و ذکرش لمحهای از ادبیات و فرهنگ ایرانی به دور نمانده است. خبر خوش دیگری که داد این بود که این جوان پرتوان - فرانکلن لوئیس - رسالهٔ دکتری خود را که دربارهٔ جوهر شعری سنایی غزنوی است نیز به زیر چاپ دارد و عن قریب نشر خواهد شد. می‌گفت کتاب مهمی است. در شناساندن سنایی، شاید بهترین کتاب به زبان انگلیسی باشد.

اما حافظ فرمانفرمائیان: فرزند عبدالحسین میرزا است. از میان سی و چند برادر و خواهر خود، یگانه‌ای است که برای تاریخ و فرهنگ ایران قلم اندوده و قدم فرسوده است. پس از بازگشت از سفر تحصیلی و دانشگاهی به استخدام دانشگاه تهران در آمد و به استادی رشتهٔ تاریخ پرداخت و مؤسسه‌ای در دانشکدهٔ ادبیات برای تحقیق در تاریخ و فرهنگ ایران و خاورمیانه بنیاد گذارد و کتابهایی چاپ کرد. چندی هم رئیس انتشارات دانشگاه تهران بود و کارها را به مداومت و دلسوزی پیش برد. ولی روزگار او را از آن وادی بیرون راند و به امریکا کشانید و دست و دلش از کار در ایران کوتاهی گرفت. با این همه توانست سفرنامهٔ دلپذیر میرزا محمدحسین فراهانی را به انگلیسی ترجمه کند. چهار پنج سال پیش کنفرانس خوبی را دربارهٔ سفرنامه نویسی در بنیان در دانشگاه تکزاس مدیریت کرد. در تلفن خبرخوشی از او شنیدم که گفت مجموعهٔ آن سخنرانیها را با همکاری شاگردش التون دانیل - که حالا استاد شده است - برای چاپ آماده می‌کنند. این هم خبر خوش دیگر از قلمرو ایرانشناسی در امریکا.

حافظ، روزگاری که در ایران بود از همسفران دلیر و خوش سفر در ایرانگردی بود. سفر درازی که با دشواری همراه بود اما ثمربخش، با او و منوچهر ستوده و احمد اقتداری و پرفسور فریتز مایر سویسی به جنوب و سواحل خلیج فارس داشتیم.

سفر دیگری در ملازمت مرحومان اللهیار صالح و عباس زریاب خوبی به مارلیک رفتیم و چه خوش گذشت. چه روز با برکتی بود که جام معروف طلای مارلیکی آن روز زیر چشم ما از میان خاکهای نهانخانهٔ قرون به درآمد. و همانجا به دست اللهیار صالح داده شد و عکس گرفتند. نخستین بینندگان آن ما بودیم. یاد باد آن روزگاران یادباد. یاد مرحومان اللهیار صالح و عباس زریاب برای من همیشگی است.

خبری از شیلا بلر

شیلا بلر از مورخان هنر اسلامی است، مخصوصاً در زمینه‌های هنر ایرانی متخصص ناموری است. آنچه دربارهٔ نقاشی و معماری ایرانی نوشته است مبتنی بر تحقیق و ذوق و بینش است. ایران را خوب می‌شناسد و سفرهای دور و دراز به اکتاف آن رفته است. او را در مهر ماه در

بولونی (ایتالیا) دیدم. تجدید دیدار شد. سخنرانی مفیدی دربارهٔ یاقوت حموی و شیوهٔ کار او کرد. از نسخهٔ گلستان سعدی که رقم یاقوت دارد نام آورد. ناچار از و سؤال کردم آیا دلیلی هست که یاقوت فارسی می‌دانست تا بتواند کتاب ادبی مهمی را در زبان فارسی رونویسی کند. فرمود مطلبی درین باره نیست و ندیده‌ام. گوئی که او هم در اصالت نسخهٔ گلستان معروف به خط یاقوت شک دارد.

امروز از کامبیز اسلامی (رئیس امور فنی فهرست نگاری دانشگاه پرینستون) شنیدم که همین امسال دانشگاه بوستون کرسی تاریخ هنر اسلامی ایجاد می‌کند و آن را به خانم بلر و همسرش بلوم - که او هم متخصص تاریخ هنر اسلامی است - واگذار کرده است. اما شیلا در آنجا به من نگفت که چنین موفقیت و کسب منصب مهمی یافته است. اگر گفته بود تبریک می‌گفتم. قطعاً دانشجویان متعدد از فضایل علمی او بهره‌ور خواهند شد.

شیلا بلر و رنتا تریاک دو بانوی هم سن و سال بودند که از سی سال پیش تحقیق دربارهٔ تاریخ معماری ایرانی را آغاز کردند. رنتا به معماری یزد پرداخت و شیلا به ناحیهٔ هرات روی آورد. هر دو پیش رفتند و نوشته‌های مهم نشر کردند. شیلا چند سال پیش مقالهٔ مهمی دربارهٔ ربیع رشیدی نوشت و نقشهٔ تأسیسات آنجا را روی کاغذ آورد.

۵۳

مطبوعات شناس تاریخ دوست

امروزه مطبوعات یک قسم از مآخذ برای تحقیقات است، اما مطبوعات کهنه. امروز به اختر و ثریا و پرورش و جبل‌المتین به عنوان مآخذ عصری ناصری و مظفری نگاه می‌شود. حتی اطلاعات و رهبر و جبهه و رعد هم مآخذ شده است. روزنامه در زمان انتشار برای تاریخ بی‌اهمیت است زیرا وسیلهٔ سیاسی است. آن را می‌خوانند (اگر بخوانند) و اگر جمع بکنند به صورت کاغذ باطله می‌فروشند، و اگر نفروشند به زباله‌دان کوچه می‌اندازند. اما به مطبوعاتی که سی چهل سال و بیشتر از نشرش گذشته باشد به چشم مآخذ تاریخی می‌نگرند و از نوشته‌هایش بهره می‌گیرند و جایش ناچار زباله‌دان تاریخ است.

محمدعلی تربیت و پس از او سیدمحمد صدر هاشمی و بعدها مسعود برزین و ناصرالدین پروین از کسانی‌اند (ایرانی) که دربارهٔ تاریخ مطبوعات فارسی رنج بسیار بردند (به ادوارد براون و هارایینو کار ندارم) و فهرستها درست کردند. کسانی هم مانند گوئل به مندرجات مطبوعات پرداختند، و دهها نفر دیگر که نامشان را باید به قلم زرین یاد کرد... صالحیار و گلپین و... مخصوصاً آنها که برای مطبوعات ولایات کتابها تهیه کرده‌اند. و نام شریفشان را باید گرد آورد.

فرید قاسمی در زمان حاضر یکی از مطبوعات شناسان ماست و آشنائیش گسترده و دقیق و ژرف. تاکنون چند فهرست و چندین ده مقاله نوشته است. نمایشگاه درست کرده است. دست این و آن را برای پیدا کردن مطبوعات قدیمی گرفته است. اخیراً کتاب خوبی دربارهٔ اعتمادالسلطنه نوشته است به بهانهٔ اینکه او در عصر ناصری چند روزنامه را تأسیس و اداره کرد. درست است، ولی حقاً خدمات اعتمادالسلطنه نسبت به تاریخ بیش از کارهایی است که در زمینهٔ مطبوعات کرده است. خود قاسمی هم به تاریخ علاقه نشان داده است و گاهی «ناخنکی» به این جانب می‌زند. مخصوصاً برای لرستان کتابهای تاریخی منتشر کرده است. این اواخر به مناسبت علاقه‌اش به تاریخ بود که کتاب «القاب رجال دورهٔ قاجاریه» تألیف کریم سلیمانی را برای نشر به نشر نی معرفی کرد.

باید منتظر بود که تاریخ مطبوعاتش هر چه زودتر نشر شود و دنبالهٔ چکیده‌هایی که از روزنامه‌های ناصری تهیه کرده و فقط جلد اولش انتشار یافته است نیز به چاپ رسانیده شود. نیت خیر مگردانند آنها که مؤثرند، زیرا مبارک فالی است.

اعطای شمشیر فرهنگستانی به ایرانشناس ایتالیائی

دوستان و شاگردان نیولی (گنولی) G. Gnoli ایرانشناس نامور ایتالیایی که تخصص او قلمرو پهناور فرهنگ ایران باستان و خاصهٔ مطالعات مربوط به تاریخ زرتشت است، به مناسبت آنکه آکادمی کتیبه‌ها و ادبیات فرانسه او را به عنوان عضو وابسته خارجی انتخاب کرده است طبق مرسوم آن فرهنگستان به او شمشیر آکادمی اعطا کردند. شاید مناسب باشد که در مورد کتیبه‌ها مصطلح قدیمی «خطط» را که در عصر ممالیک در متون عربی مصر مرسوم بود، به کار گرفت. نیولی مدت چهل سال است که در خدمات مربوط به تحقیقات شرقی مخصوصاً رشته ایرانشناسی کوشش همه جانبه داشته است. مدتی در مؤسسهٔ شرقشناسی دانشگاه ناپل کار کرد و ده سال گردانندهٔ آن بود و بعد به جای توجی باستانشناس نامی Giuseppe Tucci ادارهٔ امور مؤسسهٔ ایتالیائی مطالعات خاورمیانه و دور را بر عهده داشت. این مؤسسه از برجسته‌ترین مؤسسات علمی شرقشناسی اروپاست. او از مؤسسان انجمن ایرانشناسان اروپاست و کتابی که دربارهٔ مفهوم ایران نوشت از نوشته‌های نامور اوست.

نامه‌ای از دکتر محمد مصدق

روز دهم دی ماه امسال آقای علی مصدق، «ندیده» مرحوم دکتر محمد مصدق، یعنی فرزند دکتر محمود مصدق که او فرزند مرحوم دکتر غلامحسین مصدق است نامه‌ای را که به خط

۵ رگه ۱۳۰۵

تعالیه
ارادیه

مدت بسیار فایده... هر که از کتب در دسترس...

کتابخانه

در جواب اردو محترم...
فدایت

در هر یک از کتب...
رنگه کتب...
۱۳۰۳ ارادیه...

دکتر...
۱۳۰۳ ارادیه...

طوبه...
کتاب...

نحوه...
صفت...

Handwritten notes in the right margin, including the word 'کتابخانه' and other illegible text.

مرحوم مصدق و به امضای او و خطاب به پدر من است به من نشان داد. گفت میان بعضی اوراق بازمانده از دکتر مصدق در احمدآباد به دست آمده است.

این همان نامه‌ای است که در صدر مقاله «انتخابات در اروپا و ایران» مندرج در شماره اول سال دوم (دی ۱۳۰۵) مجله آینده چاپ شده است (با حذف تاریخ و عنوان خطاییه آن).

حدس من آن است که نامه را همراه مقاله برای تصحیح مطبعی نزد مصدق فرستاده بوده‌اند و آن مرحوم فراموش فرموده است که باز پس فرستد. پس در میان اوراق احمدآباد محفوظ مانده است تا اینکه درست پس از هفتاد و پنج سال (در همان ماه دی) به دست «ندیده» مرحوم دکتر مصدق به فرزند مخاطب نامه نشان داده می‌شود. ایشان فتوکپی از آن لطف کردند که درینجا چاپ می‌شود. گفت اصل را در موزه احمدآباد نگاه‌داری خواهند کرد.

پیدا شدن نامه نشان داد که کلمه «از شهرها در نقاطی» در مجله به «بلوکات از نقاطی» تبدیل شده است.

منتشر شد: *گروه علمی انجمن مطالعات فرهنگی*

در جستجوی صدف

ترجمه از زبان پیلچر

ترجمه

مریم بیات

نشر البرز